



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحث در این بود که در بیع فاسد شخص علاوه بر عین ، ضامن منافع مستوفاة آن نیز می باشد و عرض کردیم که علاوه بر روایاتی که در این زمینه داریم سیره عرف و عقلاء نیز بر این قائم است که اگر کسی از مال دیگری بدون اذنه استفاده کند ضامن می باشد و باید عوض آن منافع را به صاحب مال برگرداند .

در میان ما فقط ابن حمزه به حدیث : « الخراج بالضمان » تمسک کرده و فرموده که در فرض مذکور ضامن وجود ندارد ، این حدیث که از پیغمبر (ص) نقل شده در کتابهای ما مرسلأ ذکر شده اما از طرق عامه مسندأ ذکر شده و عامه خیلی روی این حدیث مانور داده اند و آن را اینطور تفسیر کرده اند که ضامن در : « الخراج بالضمان » به معنای اسم مصدر یعنی حاصل مصدر می باشد به خلاف ما که آن را به معنای مصدری می گیریم و تفاوتش در این است که اگر ضامن به معنای اسم مصدر باشد به معنای : « کون العهدة علی الشخص » می باشد اما اگر به معنای مصدر باشد به معنای : « جعل العهدة علی الشخص و علی نفسه » می باشد و این یعنی اینکه شخصی مالی را به عهده ی خودش بگیرد و در برابرش چیزی را بپردازد و شرع نیز بر آن صحت بگذارد ، بله در این صورت : « الخراج بالضمان » صحیح است یعنی منافع مال کسی است که مال را به عهده گرفته تا اینکه در برابرش چیزی را

بپردازد منتهی عامه ضمان را به معنای کون العهدة علی الشخص یعنی به معنای اسم مصدر گرفته اند و آن یعنی اینکه هر وقت عهده ی یک مالی به ذمه ی یک شخصی تعلق بگیرد ولو غصبأ ولو بیع فاسد این مقتضی آن است که خراج متعلق به شخص ضامن باشد بنابراین طبق مبنای ما ( که ضمان به معنای مصدری باشد ) الخراج بالضمان فقط شامل بیع صحیح می شود ولی طبق مبنای عامه ( که ضمان به معنای اسم مصدر باشد ) الخراج بالضمان شامل بیع فاسد و غصب نیز می شود و ابن حمزه نیز طوری این روایت را تفسیر کرده که با فقه عامه تطبیق می کند .

خوب و اما چند بحث در اینجا وجود دارد ؛ اول اینکه حدیث مذکور از طرق عامه و در دو جا نقل شده ؛ اول در مسند احمد بن حنبل جلد ۶ ص ۲۴۹ گفته شده : « عن عروة عن عائشة عن النبي (ص) قال : الخراج بالضمان » .

دوم در سنن بیهقی جلد ۵ ص ۳۲۲ ذکر شده : « عن مخلد بن خفاف قال إبتعتُ غلاماً فاستغللته ثمَّ ظهر منه عیباً فخاصمتُ فيه إلی عمر بن عبدالعزیز فقضى لی برده و قضی علیَّ بردهٌ غلته ... » ، سپس آن شخص نزد عروة رفت و حکم عمر بن عبدالعزیز را به او گفت ، عروة گفت که من شب نزد عمر بن عبدالعزیز می روم و به او می گویم که اشتباه کرده زیرا : « أنَّ العائشة أخبرتنی أنَّ رسول الله (ص) قضی فی مثل هذا : أنَّ الخراج بالضمان ... » ، آن شخص دوباره نزد عمر بن عبدالعزیز برگشت و حکم عروة را برای او

مقام الإستشهاد علی کونه منفعة المبیع فی زمان الخیار للمشتري : { ألا ترى أنّها لو احترقت ، کانت من مال المشتري؟ } ، و نحوه فی ارهن ، و غیره .»

بنابراین ابن حمزه می خواهد بفرماید که لازمه ی : « من کان علیه الغرم فله الغنم » آن است که شخص مالک منافع باشد و در برابرش نیز چیزی را نپردازد که در بیع صحیح شکی در این مسئله نیست اما بحث در این است که آیا : « کُلُّمَا لَا یُضْمَنُ بِصَحِيحِهِ لَا یُضْمَنُ بِفَاسِدِهِ » شامل این مورد می شود یا نه؟ .

خوب و اما خبری که شیخ به آن اشاره کردند خبر ۱ از باب ۸ از ابواب خیاری می باشد که در ص ۳۵۵ از جلد ۱۲ و سائل ۲۰ جلدی واقع شده است منتهی چون روز چهارشنبه است حدیث بماند برای روز شنبه إن شاء الله....

والحمد لله رب العالمین و صَلَّى اللهُ عَلَيَّ

محمد و آله الطاهرين

بیان کرد و گفت طبق خبری که عروة از عائشه نقل کرد منافع آن متعلق به من است و من ضامن آن نمی باشم ، عمر بن عبدالعزیز در جواب او گفت به خدا قسم من به غیر از حق حکم نکردم منتهی سنت رسول الله (ص) به من نرسیده بود و حالا که توسط عروة به من رسید من نیز سنت رسول الله (ص) را انفاذ می کنم و حکم را پس می گیرم ... إلى آخر الحدیث ، بنابراین حدیث دلالت دارد بر اینکه در بیع صحیح مشتری هر استفاده ای که از مبیع ببرد مالک آن می باشد و منافع آن مال نیز متعلق به او می باشد منتهی این حدیث را به باب غضب و بیع فاسد و ... نیز برده اند لذا از این جهت ما این حدیث را خواندیم .

شیخ أعظم انصاری (ره) بعد از نقل کلام ابن حمزه در سرائر کلام ایشان را توجیه می کند و می فرماید : « و تفسیره : أن من ضمن شيئاً و تقبله لنفسه فخرجه له ، فالباء للسببية أو المقابلة ، فالمشتري لما أقدم على ضمان المبيع و تقبله على نفسه بتقبيل البائع و تضمينه إياه على أن يكون الخراج له مجاناً ، كان اللازم على ذلك أن خراجه له على تقدير الفساد ، كما أن الضمان عليه على هذا التقدير أيضاً . و الحاصل : أن ضمان العين لا يجتمع مع ضمان الخراج ، و مرجعه إلى أن الغنيمه و الفائدة بإزاء الغرامة ( زیرا : من كان عليه الغرم فله الغنم ) و هذا المعنى ( أى : فائدة كل شيء بإزاء ضمانه ) مستنبط من أخبار كثيرة متفرقة ، مثل قوله فى